

دوهفته نامه ی سرخط بسیج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

شماره ی ۱۴۱ نیمه دوم آذر ۹۹ سال سیزدهم

قیمت : ۲۰ دقیقه وقت گرامی شما

سرخط

مرزها سهم زمین اند و تو اهل آسمان آسمان شام یا ایران چه فرقی می کند



SARKHAT_JOURNAL



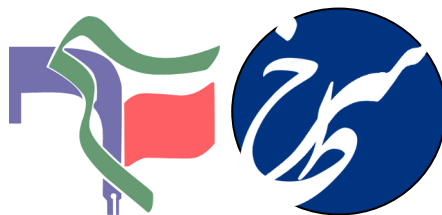
Pguavini

وقایع:

- 16 آذر روز دانشجو
- 18 آذر معرفی عراق به عنوان مسئول و آغازگر جنگ از سوی سازمان ملل (1370 ه ش)
- 19 آذر تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) (1363 ه ش)
- 20 آذر شهادت آیت الله دستغیب سومین شهید محراب به دست منافقان (1360 ه ش)
- 25 آذر روز پژوهش
- 26 آذر روز حمل و نقل و رانندگان
- 27 آذر روز جهان عاری از خشونت و افراطی گری
- 27 آذر شهادت آیت الله دکتر محمد مفتاح (1358 ه ش)
- 27 آذر روز وحدت حوزه و دانشگاه
- 29 آذر روز تجلیل از شهید تندگویان
- 30 آذر شب پلدا
- 30 آذر ولادت حضرت زینب سلام الله علیها (5 ه ق) و روز پرستار [5 جمادی الاول]

۱۶

آذر ماه ۱۳۹۹



نشریه بسیج دانشجویی



Pguavini

SARKHAT_JOURNAL

برای ارتباط با ما، ارائه ی پیشنهاد و یا انتقاد از
طریق فضای مجازی با ما در ارتباط باشید

دانشکده پردیس-طبقه اول-
سمت چاپ-انتهای راهرو

شناسنامه سرخط

صاحب امتیاز	مدیر مسئول	سردبیر	طراح	هیئت تحریریه
بسیج دانشجویی	علی عمرانی	محمد امین نورانی	سید امیر حمزه حسینی	بهنام محمدی، سید میثاق هاشمی، پویا حاجی زاده، شاگرد هایک، مهران جباری، احمد صادقی فرد، فائزه نعمت اللهی

فهرست

- | | | | |
|----|-----------------------------------|----|------------------------------|
| ۳ | سرمقاله | ۱۵ | عشق پست مدرن (قسمت ۱۰) |
| ۵ | تیپ چندی؟! | ۱۶ | ایران مدرن (اقتصاد قسمت ۶) |
| ۶ | سیر قانون اساسی ایران در سده اخیر | ۱۷ | جهان اسلام |
| ۸ | دانشجو و استکبار ستیزی | ۱۸ | گجیک خوان |
| ۹ | منهاج | ۱۹ | مسئولیت برای خدمت یا خیانت؟! |
| ۱۲ | دانشجو، مایه ی سرزندگیه جامعه | ۲۰ | مکتب امام (ره) |
| ۱۴ | شهید خوش نشان | ۲۰ | یک صفحه کتاب |



”

دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالبها و نوآوریهای علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزشهای اسلامی را بالا ببرند.

رهبر انقلاب - ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

“



سرمقاله

سخن

در دهه ی با ۶۰ ترور های گسترده ی دیپلمات ها و روحانیون روبرو بودیم و در دهه ی ۹۰ با ترور دانشمندان. مخالفان جمهوری اسلامی ابتدا درصدد از میان برداشتن تئوریسین ها و ایده پردازان بزرگ انقلاب از جمله مرتضی مطهری، حسن آیت و محمد حسن بهشتی برآمدند و روحانیون برجسته ای همچون آیات عظام دستغیب، اشرفی اصفهانی و صدوقی را حذف فیزیکی کردند.

پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و آزمون و خطای تهدید و تهاجم، تحمیل جنگ و تحریم سیاسی اقتصادی، بار دیگر دشمن به ترور یک دانشمند روی آورد.

ترور دانشمندان ایران در اواخر دهه هشتاد و آغاز آن یکی از سیاست های همسوی دولت اوباما و بنیامین نتانیاهو بود که در حادثه ی سوءقصد به جان محسن فخری زاده ی فقید، روشی مشابه اتخاذ شد. این مسئله نشان می‌دهد تئوریسین های فعلی جمهوری اسلامی در عملیات های تخریب و ترور شخصیتی در فضای سیال مجازی، آماج حملات ارتش سایبری دشمن هستند، و برای مقابله با ایران اسلامی، لازم است دانشمندان خودم و متدین وطن را از میان بردارند...

برخی ترور اخیر را دسیسه ای برای ممانعت از برقراری روابط میان دولت نوپای بایدن و جمهوری اسلامی می‌دانند که در بلاهت و سفاکت این تئوری هرچه سخن بگویم کم است. بایدن پس از شهادت سردار سلیمانی موضعی موافق با ترامپ داشت و نشان داد احزاب دموکرات و جمهوریخواه در ایالات متحده تنها پوششی برای سرمایه داران ست تا در راس قدرت رمق های واپسین نظام کاپیتالیستی را به نظاره بنشینند. سگ زرد برادر شغال است، و تمایزی مابین دولت اوباما، ترامپ، و بایدن با جمهوری اسلامی نخواهد بود. قیاس ساده ای ست: برجام در ۲۰ دقیقه، و هدف مندی یارانه ها در ۲۰ ماه! معاهده ای که ضمن اجازه ی دسترسی بازرسان (بخوانید شیپورچی های سرویس های اطلاعاتی بیگانه) آژانس بین المللی انرژی اتمی را به اطلاعات هسته ای کشور میسر ساخت. قلب های راکتور های هسته ای را سیمان گرفت، و خون شهدای هسته ای را پایمال کرد. به علاوه آمریکا با خروجی بلامانع و بدون هزینه از برجام، در صدد تشدید تحریم هایی برآمد که قرار بود ملغی شوند. چنین قانونی در ۲۰ دقیقه در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود و قانون

ادامه صفحه بعد

هدفمندی یارانه‌ها در همان مجلس، و با همان ریاست ماه‌ها پشت در فراکسیون‌های مختلف باقی می‌ماند. و اکنون پس از ترور پدر صنعت هسته‌ای کشور عده‌ای کوتاه بین آن را دسیسه‌ای برای عدم بازگشت به برجام می‌دانند!

این سوال پیش می‌آید که آیا دولت اوباما و جان کری که روابطی بسی صمیمانه‌تر از ترامپ با آپی‌اک (کمیت‌ه روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) داشت، با عدم در نظر گرفتن مصلحت هم‌پیمان عبری خود با ایران وارد مذاکره شده بود؟! متأسفانه تفکری که توهم توطئه رغ شدت می‌بخشد، و جریانی در مقابل آن را منکر می‌شوند پیوسته دوقطبی‌هایی را در کشور به وجود می‌آورند که پرداختن به آنها چندان خوشایند نیست. نه باید از این سوی بوم، و نه از آن سوی آن افتاد. پنجه‌های چدنی ایالات متحده بزک شدنی نیست. ارسال پالس‌های مذاکره با چنین رژیم سفاکی پیامی جز سهل‌اندیشی به ایشان مخابره نمی‌کند. در شرایط فعلی اخراج بازرسان آژانس و قطع همکاری با این نهاد، خروج از برجام، و از سرگیری فعالیت مسالمت‌آمیز هسته‌ای، تنها راهکار معقول پیش‌روست. نیاز ما به تعامل با جهان نباید به معنی گره زدن معیشت، و اثرپذیری تامه در غالب مسائل باشد. وقت آن رسیده است با تکیه بر دانش‌های بومی و نگاهی محصور به مرزهای داخلی، و آنچه بارها توسط مقام معظم رهبری در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و گام دوم انقلاب اسلامی تشریح شده است سرنوشت کشور را رقم بزنیم. نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی...





تیپ چندی؟! (طنز دانشجویی)

نویسنده: بهنام محمدی

روزتون مبارک

جامعه ی دانشجویی تیپیکال های مختلفی به خودش می بیند. شما کدوم دسته این؟!

دسته ی اول اونایی هستن که سرشون تو لاک خودشونه میان دانشگاه، میرن سرکلاس. بعدشم برمیگرن. کاری هم به کسی ندارن. اینا خیلی ماهن. گاهی باهاشون حرف بزنین! مایه ی آشنایی بیشتره. حتی تن صداشونم کمیاب و کمیاست.

اگه باهاشون رفیق شدین زیاد توقع نداشته باشین رفیق شیش تون باشن، چون اینا یه رفیق فاب دارن و اونم کتابه!

دسته دوم اونایی که سرشون از لاک شون بیرونه. میان دانشگاه که سر کلاس خشک نباشه. حواس شون به تیپ و لباس همه هم هست. با یه عده خاص سلام علیک گرم تری

دارن. اینا باهاشون حرف نزنین. ینی خوراکشون غیبت و بدگویی از این و اونه. این قشر شریف رو همیشه در حال قدم زدن و گشت و گذار تو لاواستریت و میداف میشه پیدا کرد.

خلاصه که اگه لباس آبی پوشیدن با حراست عوضی نگیریدشون.

دسته سوم اونایی که کلا از لاک شون بیرون اومدن و به قولی با یک یا چند نفر دیگه یک لاک شدن!!!! اینا همونایی که اغلب تو کافه ها پلاس، یا پایه، پترو یا کتابخونه. اغلب آدمای شلوغی هستن. و آخر مرام و معرفت. اصن تنهایی عذابه براشون. جووری که بین التعطیلیا دسته جمعی متحد میشن که دانشگاه نیان، ولی از مافیا نمیگذرن و میان! جونم واستون بگه اینا باعث دلگرمی همه مون. اینا نباشن دانشگاه مٹ آخرای اسفنده. قدرشونو بدونین.

دسته ی چهارم اونایی هستن که دوتایی جیک توجیکن، لاو

میتروکنن شدید. از اونا که تا با همین حرف دارن واسه گفتن و تا از هم جدا میشن دستشون به گوشیه و تلفنی حرف میزنن. اینا تا وقتی با همین قسم خوردنشون باحاله. میگن به جون بچه آینده مون!!! البته اینا کله شون داغه، عمر این روابط کمتر از یه ترمه، و بعدش فاز سینگل به گوری و آهنگای مازیار فلاحی و مشروطی پشت مشروطی: اینارم همه جا میشه پیداشون کرد الا جایی که یه مسئول حراست اونجا باشه.

دسته پنجم، اونایی که منتظرن یکی بیاد در مسجد رو و ا کنه. نه که خیلی اهل دین و ایمون باشن. اینا خوابیدن تو مسجد رو به خوابیدن تو کلاس ترجیح میدن. اصن اینا از خفاش کوالا ترن!

تازه خیلی هم محرومن. پیشنهاد میکنیم طبقه همکف کتابخونه رو تخت بزنین واسه خوابیدن اینا. بلکه مسجد بوی جوراب نده!

دسته ششم اونایی که اهل فعالیت و تشکل های دانشگاهن. اینا رو همیشه دور و وره انجمن ها و فرهنگی و بسیج میشه پیداشون کرد. از توضیح درباره شون منو معاف کنین، چون خودشونم از پس توضیح دادنش برنمیان، که چی میگن، چی کار میکنن، و کلا چی میخوان!

دسته ی هفتم هم اونایی هستن که اسم شون هست، خودشون نیستن. اینا همیشه تو حضورغیابا اسم شونو می شنویم. به این عزیزان هم اشراف و شناختی نداریم.

بقیه دسته ها هم خودشون بیان موضع شونو اعلام کنن، تا درموردشون بنویسیم. آدرس ما pguavini@pguavini توی اینستاگرامه. لبتون خندون، روزتون مبارک



سیر قانون اساسی ایران در سده اخیر

نویسنده: علی عمرانی

قانون در لغت به اصل و مقیاس یک چیز اطلاق می‌شود. همچنین به دستورها و احکامی گفته می‌شود که دولت یا مجلس شورا برای حفظ نظم و اداره‌ی امور جامعه وضع می‌کنند. اما قانون اساسی گویاترین سند شناسایی اصول و ارزش‌های حاکم بر هر نظام سیاسی در دنیا است و دربردارنده اهداف و آرمان‌های آن کشور است که بر سایر قوانین وضع شده در آن مملکت برتری دارد. در واقع قانون اساسی نوع حکومت و ارکان کشوری را مشخص می‌کند و با بیانی کلی از اصول که پایه و اساس سایر اصول هستند کلیات را تبیین کرده و وارد جزئیات نمی‌شود. بنابراین ضروری است که قوانین وضع شده در دولت‌ها و مجالس مبتنی بر قانون اساسی باشد.

قبضه‌ی قدرت در قاجار و پهلوی

پیشینه‌ی قانون اساسی در ایران به دوره‌ی قاجار برمیگردد. جایی که قانون و مجلس با توپ و تانک عجین شده است! خودسری‌های ناصرالدین شاه و بی‌توجهی‌های او به امور مملکت و از طرفی ارتباط با اروپا، مطالبه‌ی قانون اساسی را به اعتراضات علیه حکومت قاجار کشاند.

این ماجرا پس از ترور شاه شهید و با کش و قوس‌های فراوان در اواخر عمر شاه بیمار به امضا رسید. مظفرالدین شاه در اواخر عمر دستور تاسیس شورای ملی و تدوین قانون اساسی را صادر کرد و اولین قانون اساسی ایران سه روز پیش از مرگ مظفرشاه در هشتم دی ماه ۱۲۸۵ شمسی، با پنج فصل و ۵۱ اصل به امضای رسانده شد. قانونی که به نظامنامه مشهور شد و با شتابزدگی و نقصان نوشته شده بود. گرچه نظامنامه برای شروع قابل دفاع بود اما نارسایی‌های بسیاری داشت.

البته محمدعلی شاه که بلافاصله به قدرت رسید چندان قانون پذیر نبود و سلطنت خود را بر قانون می‌خواست، نه تحت آن.

او معتقد بود با وضع و تنفیذ قانون اساسی اوامر شاهانه اش تحت سیطره و اختیارات مجلس درآمده. بنابراین دستور به توپ بستن مجلس را به لیاخوف داد و به همین عنوان در تاریخ ماندگار شد. هرچند با قیام سراسری مردم و هجوم به تهران دولت وقت وادار به تسلیم متمم قانون اساسی به شاه شد که به امضای اجباری و اکراه آمیز محمد علی شاه رسید. امضایی که حکم تبعیدش را در پی داشت.

پس از کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان دولت انگلیس قانون اساسی به کرات و طبق میل خود قانون اساسی را تغییر داد. از جمله این تغییرات، انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی و تغییر سن قانونی ولیعهد در سال ۱۳۰۴، بلامانع شدن تغییر محل مأموریت قضات و قرار گرفتن در خدمت رضاخان در سال ۱۳۱۰ و تغییر شرط ایرانی‌الصل بودن مادر ولیعهد در سال ۱۳۱۷ که به موجب آن راه ازدواج محمدرضا پهلوی با فوزیه، خواهر ملک فاروق پادشاه مصر باز شد. این تفسیر با مداخله انگلستان صورت گرفت. این تغییرات که قانونگذار بنا به خواست و میل خود در قانون به وجود می‌آورد پس از کودتای مرداد ۱۳۲۸ نیز ادامه پیدا کرد. پس از تبعید مصدق به دستور محمدرضا پهلوی مجلس موسسان تشکیل شد و با تغییر اصل ۴۸ قانون اساسی، این اجازه به شاه داده شد تا مجلسین (مجلس شورای ملی و سنا) را تنها با ذکر علت انحلال، منحل کند و دستور انتخابات مجدد بدهد.

مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی

قانون اساسی ایران هم اکنون شامل ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل است. قانون اساسی جمهوری اسلامی که در سال ۵۸ تدوین شد ۱۷۵ اصل داشت و در آذر ۵۸ به همه پرسى گذاشته شد.



ادامه صفحه قبل

عدم تحقق هر یک را باید در نقصان عملکرد ارکان حکومتی و قوانین وضع شده توسط آنها جستجو کرد. به این مسئله در مجالی دیگر به تفصیل خواهیم پرداخت.

سایر فصول قانون اساسی نیز به تعریف و معرفی حوزه اختیارات رهبری و سازمان های تحت نظارت ایشان، اختیارات قوای سه گانه و شوراها، حق حاکمیت، اقتصاد، و همچنین زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور اشاره دارد.



از ویژگی های این قانون توجه به حقوق ملت و برابری همه اشخاص در برابر قانون بود. نکته ی حائز اهمیت این که قانون اساسی در جمهوری اسلامی بنا به آنچه تاریخ گواه می دهد از نوع انعطاف ناپذیر یا سخت انتخاب شده است تا قانون گذار نتواند به راحتی و همانند قوانین عادی در آن دخل و تصرفی کند. فصل ۱۴ و پایانی قانون اساسی فعلی به اصل بازنگری قانون اساسی اشاره دارد.

همچنین فصل های جامعی در سیاست خارجی و تعیین شاکله ی کلی سیاست داخله و خارجه داشت. این قانون ده سال بعد و چند ماه پیش از رحلت امام خمینی (ره) مورد بازنگری قرار گرفت که در پی آن اختیارات نخست وزیری و ریاست جمهوری ادغام شد و همه اختیارات این دو مقام به رییس جمهور سپرده شدند. پیش از آن مردم رییس جمهور را با رای مستقیم انتخاب میکردند و سپس وی مسئول معرفی نخست وزیر به مجلس جهت اخذ رای اعتماد و تشکیل کابینه میشد. از ارزش و اعتبار های هر قانون اساسی سهولت اجراشوندگی و همچنین تعیین مفسر و مجری آن است که اختیار تفسیر قانون در جمهوری اسلامی به عهده ی قوه ی مجریه و قوای ناظر بر آن مجلس شورای اسلامی ست. از جمله مهمترین حقوق مدنی که طبق فصل سوم قانون اساسی ایران در اختیار مردم قرار گرفته می توان به آزادی اندیشه و ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت سانسور، استراق سمع و هرگونه تجسس، آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه و تامین وسایل تحصیلات عالی، حق داشتن مسکن متناسب با نیاز، ممنوعیت شکنجه و اجبار به اقرار، ممنوعیت هتک حرمت شخص بازداشتی، برخورداری از محاکمه علنی، اشاره کرد که تحقق یا



دانشجو و استکبار ستیزی

نویسنده: محمد امین نورانی

بعد از به روی کار آمدن دولت کودتا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستگیری مصدق، جنب و جوش زیادی برای فعالیت های سیاسی دانشجویان بوجود آمد. به دلیل استقلال دانشگاه و تغذیه فکری دانشجویان از حزب توده و جبهه ملی و همکاری این دو حزب بعد از کودتای ۲۸ مرداد، محدودیت فعالیت های سیاسی موجود جامعه و اختناق شدید حاکم بر آن، تاثیری چندانی بر فعالیت سیاسی دانشجویان نگذاشت. همزمانی محاکمه مصدق در دادگاه فرمایشی و شروع سال تحصیلی ۱۳۳۲ که سبب برگزاری تجمع اعتراضی و تظاهرات دانشجویان و مردم شد نگرانی دولت کودتا از تحرکات دانشجویی را دوچندان کرد.

در حالی که در دولت مصدق، ۱۹ ماه بعد از ملی شدن صنعت نفت، به دلیل کارشکنی ها و اعمال فشار اقتصادی بر مردم از طرف انگلیس، روابط ایران و انگلیس قطع شده بود اما تنها چهارماه بعد از روی کار آمدن دولت کودتا یعنی آذر ۱۳۳۲، این روابط از سر گرفته شد که اعلام این خبر سبب ملتهد شدن اوضاع جامعه و اعتراضات گسترده از سوی مردم به ویژه دانشجویان شد.

این اعتراضات دانشجویان که از مهرماه شروع شده و تا آذر ادامه داشت، با اعلام تجدید رابطه با انگلستان از سوی دولت کودتا، به اوج خود رسید تا جایی که در ۱۵ آذر، تجمعات دانشجویی به بیرون از دانشگاه کشیده شد و باعث ورود نیروهای امنیتی برای سرکوب تظاهرات و دستگیری چندین دانشجو شد.

اما روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ متفاوت از روزهای قبل شروع شد. دانشجویان با ورود به دانشگاه متوجه حضور نیروهای امنیتی

در دانشگاه شدند. دانشجویان در آن روز با آرامش و بدون دادن بهانه به نیروهای امنیتی به کلاس های خود رفتند. بعد از اینکه رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران از حضور نیروهای امنیتی مطلع شد بلافاصله دستور داد تا زنگ دانشکده به صدا در آمده و دانشجویان از محیط دانشکده خارج شوند. در زمان خروج دانشجویان از دانشکده، زد و خوردی بین دانشجویان و نیروهای امنیتی صورت گرفت که در نتیجه ی آن، نیروهای امنیتی شروع به تیراندازی به سوی دانشجویان کردند که سبب زخمی شدن بسیاری از دانشجویان و کشته شدن سه تن از آنها با نام های مهدی شریعت‌پاڑی، مصطفی بزرگ نیا و احمد قندچی شد.

دو روز بعد از این واقعه زمانی که زمین دانشگاه از خون دانشجویان معترض رنگین بود، نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران آمد و از دانشکده حقوق همان دانشگاه، دکترای افتخاری دریافت کرد. صبح روزی که نیکسون به ایران آمد یکی از روزنامه ها در سرمقاله خود، نامه ی سرگشاده ای به عنوان «سه قطره خون» به نیکسون نوشت. در آن نامه آمده است: «آقای نیکسون! وجود شما آن قدر گرامی و عزیز بود که در قدوم شما سه نفر از بهترین جوانان این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه را قربانی کردند.» که اشاره به سنت ایرانی ها برای قربانی کردن گاو یا گوسفند موقع بازگشت سفر یکی از عزیزانشان دارد.



نویسنده : سید میثاق هاشمی

خطبه ۲۳ نهج البلاغه

در این خطبه، امام (علیه السلام) اشاره به مسأله مهمی می کند که تأثیر عمیقی در تهذیب نفوس و آرامش فرد و جامعه دارد و آن این است که بی شک، زندگی اجتماعی بشر، منشأ برکات عظیمی است؛ به طوری که می توان گفت قسمت عمده پیروزی های مهمی که در مسائل علمی و صنعتی و اجتماعی و غیر آن، نصیب انسان ها شده، در پرتو همین زندگی اجتماعی است. در کنار این برکات، مشکلات مهمی نیز وجود دارد که اگر حل نشود، ممکن است تمام آثار مثبت را بر باد دهد.

از جمله این که در میان انسان ها، به هر دلیل، تفاوت هایی از نظر استعداد و شرایط جسمی و روحی و فردی و اجتماعی وجود دارد و همین ها منشأ تفاوت های زیادی در امکانات مادی و مالی می گردد. این جا است که افراد عقب مانده، گرفتار واکنش های گوناگون منفی می شوند و یا سعی می کنند که خود را به آب و آتش بزنند و از حلال و حرام چشم پيوشند و در مسابقه ای که پايانش معلوم نیست، با افراد پیشرو در جهات مادی، شرکت کنند و یا به کلی مأیوس شده و دست از فعالیت بردارند و به انزوا کشیده شوند و یا آتش حسد، در دل آنها زبانه بکشد و نسبت به گروه نخست گرفتار کینه و انتقام جویی شوند.

از سوی دیگر، گروهی که بهره زیادی دارند، آنها نیز ممکن است به خودبینی و خود بزرگ نگری و کبر و غرور و طغیان و مفساد عظیم دیگری که با کمی دقت آشکار می گردد، مبتلا شوند.

در آیات و روایات اسلامی، برای پیشگیری از این مفساد، همگان را به یک واقعیت توجه داده اند و آن این که تمام این

کم و زیاده‌ها، مطابق با برنامه حکیمانه ای است که از سوی خداوند بزرگ برای بندگانش تنظیم شده و چیز بی حسابی نیست.

ممکن است که اسرار این تقسیم بندی، بر ما بندگان، در بسیاری از موارد مکتوم باشد؛ ولی همین که بدانیم خداوند حکیم و رحمان و رحیم، آن را تنظیم کرده و راضی به آن شویم، چهره مسائل به کلی، عوض می شود و آرامش عمیقی، روح و جسم ما را فرا می گیرد و تمام آن عواقب منفی و نامطلوب، از بین می رود.

به همین دلیل، مسأله رضا و تسلیم مخصوصاً نسبت به رزق و روزی، در آیات و روایات، اسلامی، به طور گسترده، مورد بحث و تأکید قرار گرفته است.

با توجه به این مقدمه فشرده، به تفسیر خطبه باز می گردیم و می گوئیم که امام (علیه السلام) نیز در بخش نخستین این خطبه، برای تهذیب نفوس و پایان دادن به قسمت مهمی از مفساد اجتماعی، دقیقاً، به سراغ همین معنا می رود و چنین می فرماید:

«اما بعد (از حمد و ثنای الهی، بدانید!) مواهب پروردگار، مانند قطره های باران، از آسمان به زمین نازل می شود و به هر کس، سهمی، زیاد یا کم (مطابق آن چه خداوند مقدر فرموده) می رسد؛ (أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ كَقَطَرَاتِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قُسِمَ لَهَا، مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ).

تشبیه به دانه های باران، تشبیه بسیار جالبی است؛ چرا که دانه های لطیف باران، به فرمان الهی، به صورت های متفاوتی، در زمین های مختلف نازل می شود. ارزاق الهی نیز از آسمان

جود و رحمتش بر زمین حیات بشری نازل می گردد و کاملاً با هم متفاوت است. در بعضی از زمین ها آن قدر می بارد که نهرهای عظیم جاری می شود و در بعضی، در تمام سال، مقدار ناچیزی می بارد.

حضرت، سپس در یک نتیجه گیری روشن، چنین می فرماید: «بنابراین، هرگاه یکی از شما، برای برادر خود، نوعی برتری در همسر و فرزند و مال یا جسم و جان ببیند، نباید نسبت به او، موجب فتنه گردد» (و سبب حسد و کینه و عداوت و یا یأس و سوءظن به پروردگار شود)؛ (فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيرَةً (۱) فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ، فَلَا تَكُونَنَّ لَهُ فِتْنَةً).

غفیره، با توجه به این که از ماده «غفر» به معنای «پوشاندن» گرفته شده - و به همین دلیل، به موهایی که پشت سر یا گوش را می پوشاند، «غفیره» می گویند و بر عفو الهی که گناهان را می پوشاند، غفران اطلاق می شود - ممکن است بیانگر این نکته باشد که اموال و ثروت های جهان، معمولاً غافل کننده است و حتی عیوب خود انسان را از نظرش می پوشاند، هر چند در اینجا، غفیره را، معمولاً به معنای مال زیاد و فراوان گفته اند.

ضمناً، باید توجه داشت که فتنه، در این جا به معنای امتحان نیست، هر چند در بسیاری از موارد، به این معنا آمده، بلکه منظور، چیزی است که مایه فریب و فساد گردد و آن، واکنش ها و صفات منفی است که در بسیاری از افراد تهیدست، در مقابل صاحبان مال و ثروت پیدا می شود، مانند کینه توزی و حسد و عداوت و نفرت.

سپس امام (علیه السلام) برای دلداری افراد تهیدست صابر و شاکر، مطلب مستدلی به این صورت بیان فرموده است: «زیرا، هر گاه مسلمان، به عمل زشتی که از آشکار شدنش شرمنده می شود و افراد پست، آن را وسیله هتک حرمت او

قرار می دهند، دست نیالاید، به مسابقه دهنده ماهری می ماند که منتظر است در همان دور نخست، پیروز شود و سود وافر بربرد، بی آن که زیانی ببیند؛ (فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ دَنَاءَةً تَظْهَرُ فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ وَ يُغْرَى بِهَا لِئَامُ النَّاسِ، كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ. الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ. تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ، وَ يَرْفَعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمَ).

نیز، مسلمانی که از خیانت به دور است، در انتظار یکی از دو خوبی از سوی خدا است: یا فرا رسیدن دعوت الهی است (که عمر او را به نیک نامی و حسن عاقبت پایان می دهد) و در این حال، آن چه را خداوند از پاداش های نیک فراهم ساخته، برای او بهتر است، و یا سرانجام، در همین دنیا، خداوند، رزق او را وسیع می کند و صاحب همسر و فرزند (و مال فراوان) در عین این که دین و شخصیت خود را حفظ کرده است؛ (وَ كَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيُّ مِنَ الْخِيَانَةِ يَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ: إِمَّا دَاعِيَ اللَّهِ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ، وَ إِمَّا رِزْقَ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ ذُو أَهْلٍ وَ مَالٍ، وَ مَعَهُ دِينُهُ وَ حَسْبُهُ).

ولی (بدانید فرق میان این دو بسیار است). مال و فرزندان، کشت و زراعت این جهانند، و عمل صالح و نیک، کشت آخرت است؛ (وَ إِنَّ أَلْمَالَ وَ الْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا، وَ الْعَمَلُ الصَّالِحَ حَرْثُ الْآخِرَةِ).

«اما گاهی خداوند، هر دو را برای گروهی جمع می کند» (و از نعمتهای دنیا و آخرت هر دو، بهره مند می سازد)؛ (وَ قَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ).

در واقع، امام (علیه السلام) در این تحلیل دلنشین و دلپذیرش، این حقیقت را بیان می کند که مسئله مهم در زندگی و سرنوشت انسان، آن است که آلوده به زشتی ها و پستی ها نشود، همان زشتی هایی که سبب سرافکندگی و شرمندگی او

می گردد او را بر سر زبان ها می اندازد و شخصیتش را در نظر مردم، پائین می آورد.

بنابراین، هر گاه انسان، پاک باشد و پاک زندگی کند، یکی از دو سرنوشت عالی، در انتظار اوست: یا عمر را به نیک نامی پایان می دهد و به سوی رحمت الهی و پاداش های بی مانند او می شتابد، و یا در بخش دیگری از عمرش، مشمول مواهب مادی این جهان می گردد و صاحب هر دو بخش از نعمت های الهی می شود.

نکته مهمی که در این جا فکر جمعی از مفسران نهج البلاغه را به خود معطوف داشته، این است که امام (علیه السلام) چنین فرد مؤمنی را که در هر حال، پیروز و خوشبخت و مشمول لطف و رحمت الهی است، تشبیه به «فالج یاسر» کرده است و بعضی چنین پنداشته اند که این تعبیر، به معنای قمارباز ماهری است که در نخستین دور قمار، برنده می شود و آن گاه این سؤال مطرح شده که چگونه امام (علیه السلام) مؤمنان صاحب رضا و تسلیم در برابر قسمت پروردگار را، تشبیه به چنین کسی می کند که آلوده گناه بزرگی از گناهان کبیره است؟

با دقت در تعبیرات و کلماتی که امام (علیه السلام) به کار برده یعنی، (کلمه های «قداح»، «فوزة»، «مغنم» و «مغوم») روشن می شود که مقصود از «یاسر» قمار باز نیست؛ بلکه اشاره به نوع خاصی از بخت آزمایی است که به سود فقرا، در میان عرب انجام می شده است. توضیح این که بعضی از شارحان نهج البلاغه، از زمخشری در کشاف، چنین نقل کرده اند که عرب (هنگام بخت آزمایی)، ده چوبه تیر داشت، هر کدام، نامی مخصوص به خود گرفته بود. شتری خریداری می کردند و آن را سر می بریدند و به ده قسمت تقسیم می کردند، سپس این تیرهای ده گانه را در کیسه ای می ریختند

و آن را به هم مخلوط می کردند و یک نفر از میان آنها - که مورد اعتماد بود - دست می کرد و یکی یکی، آنها را بیرون می آورد. هفت چوبه تیر که هر کدام اسم خاصی داشت، به ترتیب، یک سهم و دو سهم و سه سهم ... تا هفت سهم برنده می شدند - سهم برترین، معلی نام داشت - و آن سه چوبه دیگر، هیچ کدام سهمی نداشت؛ بلکه هر کس که چوبه به نام او می افتاد، می بایست پول شتر را بپردازد، سپس، برندگان، سهام خود را به فقرا می دادند و چیزی از آن نمی خوردند و به این کار افتخار می کردند.

درست است که این کار از نظر شرعی جایز نیست، ولی هرگز، زندگی قمار را در مقام تشبیه ندارد. امام (علیه السلام) در واقع، می فرماید که مؤمنان صاحب رضا و تسلیم، شبیه کسی هستند که در بخت آزمایی، در همان مرحله نخست، سهم معلی را می برد، برترین سود نصیب او می شود و هیچ هزینه و خسارتی هم ندارد.

تعبیر به «قداح» به معنی چوبه های تیر، و تعبیر به «أول فوزة» و نیز رسیدن به غنیمت بزرگ و نجات از خسران، همه، مناسب همین معنا است؛ زیرا، در قمار، معمولاً چنان نیست که در همان مرحله نخست، کسی برنده شود و بعد بازی را فوراً قطع کند و به هیچ وجه ادامه ندهد، بلکه قمار، در جلسه ای طولانی و با برد و باخت های مختلف، انجام می شود و سرانجامش از ابتدای کار، معلوم نیست.

ما انکار نمی کنیم که ممکن است کلمه «میسر» مفهوم وسیعی داشته باشد که این نوع بخت آزمایی ها را شامل شود، ولی باید توجه داشت که قمار، به معنای واقعی کلمه، با این نوع بخت آزمایی، بسیار متفاوت است، به خصوص این که در قرآن مجید، از این نوع بخت آزمایی، به «أزلام» یاد شده است و نه «میسر» هر چند از همه، مذمت به عمل آمده است.



دانشجو، مایه ی سرزندگیه جامعه

نویسنده : پویا حاجی زاده

۱۶ آذرماه در ایران به یاد سه دانشجویی که هنگام اعتراض به دیدار رسمی ریچارد نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت ایالت متحده و هم چنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ کشته شدند، روز دانشجو اطلاق می شود. دوران دانشجویی دوران عجیبی است. از یک طرف درس و دانشگاه، بخش قابل توجهی از وقت ما را به خود اختصاص می دهند و طبیعتاً باید تلاش کنیم در درس و مشق های خود موفق باشیم و بهترین استفاده را از فضای آموزشی دانشگاه ببریم. از سوی دیگر، دوران دانشجویی، جزو معدود دوران هایی است که می توانیم با دست بازتر، برای خودمان وقت بگذاریم. مطالعه کنیم. فیلم ببینیم. یا با دوستانمان بیرون برویم و لحظات خوبی داشته باشیم.

در کنار اینها، می دانیم که بهترین زمان برای برنامه ریزی آینده، دوران دانشجویی است. توسعه مهارتها، ایجاد شبکه ارتباطی، شکل دادن به یک رزومه ی خوب و هر آن چیزی که می تواند به موفقیت آینده ما کمک کند، در این دوران، ساده تر و ارزان تر از سایر مراحل زندگی، قابل انجام است.

گفته می شود که انسان ها چند دسته اند: دسته ی اول آن هایی که باعث اتفاق افتادن حوادث هستند. دسته ی دوم آن هایی که حوادث بر روی آنها اتفاق می افتد. دسته ی سوم آن هایی که اتفاق افتادن حوادث را نظاره می کنند. دسته ی چهارم آنهایی که حتی نمی دانند که چه اتفاقی در حال وقوع است. دانشجوی یعنی دسته اول. دانشجو یعنی کسی که در جامعه پویایی ایجاد می کند، کسی که محیط اطرافش را متحول می کند، کسی که حرف می زند و حرفش را به کرسی می نشاند، کسی که جریان ایجاد می کند، کسی که زنده است، فعال است، موثر است و نبودش احساس می شود. تا

وقتی دانشجو زنده باشد، جامعه نیز زنده است و رو به جلو حرکت می کند و مادامی که دانشجو با سکوت و رخوت، به کناری بنشیند، جامعه نیز رو به افول می رود. اما منظور از پویایی و زنده بودن، هیاهو نیست چرا که هیاهو کوتاه مدت است و تاثیر ندارد؛ منظور قدرت ایجاد تاثیرات مفید و بلندمدت در محیط اطراف است و این است که دانش آموز را دانشجو می کند. بی شک ترم به ترم معدل آوردن، مقاله دادن، کارشناسی ارشد قبول شدن و ... دانش آموز را دانشجو نمی کند. این همان بدنی ست که رشد کرده اما ذهنیت و تفکرش تکامل نیافته باقی مانده است. دانشجو باید درد را احساس کند و در پی درمانش باشد. اگر درد را احساس نکند دانشجو نیست و اگر احساس کند و در پی درمانش نباشد، باز هم دانشجو نیست.

بازترین صفت دانشجو پرسشگری است. اصلی ترین وظیفه دانشجو مطالعه می باشد. زمان برای دانشجو ارزشمندترین چیزهاست. دانشجو صاحب اندیشه و هدف است. دانشجو بر هویت خویش آگاهی کامل دارد. دانشجو نسبت به اندیشه های متفاوت مطالعه دارد. دانشجو مسئولیت پذیر است. دانشجو بر مهارتهایی چون کار با کامپیوتر و اینترنت و استفاده از زبان انگلیسی تسلط دارد. دانشجو نسبت به اخبار آنچه که پیرامون او روی می دهد مطلع است و موضع خاصی دارد. دانشجو در بطن جامعه قرار دارد. دانشجو در حد وسع قلمی توانا و سخنی شیوا دارد. دانشجو دیوار بین دانشگاه و دنیای واقعی را درهم می نورد. پژوهشگری انتظاری است که از دانشجو می رود. دانشجو جایگاه معلمی اساتید را ارج می نهد. دانشجو در ایجاد ارتباط با دانشجویان دیگر و کمک به

ادامه صفحه بعد



ادامه صفحه قبل

دانشجویان ورودی کوشا است. دانشجو از سفر کردن نمی هراسد. همه ی این مواردی که گفته شد از ویژگی ها و خصایص دانشجویان است و دانشجویان معمولا ویژگی های بالا را دارند.

هم چنین از مشکلات دانشجویان در دوران دانشگاهی نیز می توان به استرس و اضطراب امتحانی، افسردگی (حداقل ۲۵٪ از دانشجویان)، اعتیاد، مسئله اشتغال و نگرانی از آینده، موضوع ازدواج دانشجویی، خشم و عصبانیت و خشونت، حواس پرتی دانشجویان در کلاس اشاره کرد.

از جمله راهکارهای حل مشکلات دانشجویان می توان به تقویت راههای ترغیب دانشجویان به ادامه تحصیل از جمله لحاظ نمودن تأثیر محیط فیزیکی دانشگاه (کلاس، کتابخانه، خوابگاه و ...) بر رفتار دانشجو، افزایش و تقویت کلاسهای آموزش بهداشت روانی دانشجویان، افزایش خدمات مشاوره قبل از ازدواج (نتیجه بعضی از تحقیقات تقلیل ۲۰٪ آمار طلاق با استفاده مناسب از این مشاوره ها بوده است)، آموزش مهارتهای خود کارآمدی، خود تقویتی و هوش هیجانی دانشجویان، ایجاد انگیزش آموزشی و تحصیلی و تقلیل افت آموزشی، تقویت رشد اجتماعی و حمایت های اجتماعی، رشد باورهای دینی و اخلاقی و درونی کردن کنترلها، مشارکت دانشجویان در تنظیم برنامه امتحانی و اشاره کرد.

با تمام تفاسیر و مشکلات و مواردی که مطرح شده قشر دانشجویان از بدنه و استخوان بندی اصلی کشور به شمار رفته و امید است با برطرف شدن مشکلات دانشجویان، توانمندی و شکوفایی استعداد های این عزیزان بیش از بیش دیده شود.





شهید خوش نشان

نویسنده : علی عمرانی

ای گواه مرگ لحظه ای ما
تن بی جان تو جان بخش ترین
جاذبه ی زنده ی شهرست هنوز...
ما چه گمنامیم، چه بی نشان بی تو؛
بی تو، ما مرده ترین
مرده ی جنبنده ی این خاک غریبیم...

به آبی هزارتوی آسمان نگاه می کنم
مابین شاهراهی از زوال تا ابد
میان ابرهای پُر مانند
بالُ برافراشته ی یک کبوتر سپید
که قاصدِ پیامِ صلحِ ماست...
که مظهر پروانگی گردِ شمعِ ولی ست...
به آسمان نگاه می کنم.
چه سبک بال ست او!
آرمانش چه بلند،
پر و بالش چه وسیع؛
گویی هما
بر تمام شهر ما
سایه افکنده است...
به آبی هزارتوی آسمان نگاه می کنم
پشت یک خیالِ پُر مه و غلیظ
حین دلبری خنده های چشم بسته
شاخه ای شکسته از شقایقی
به خون نشسته است...
جایی میان این جهنمِ زمین
یک قطعه ی شهیدِ خوش نشان
گوشه ای ست از بهشتِ خُلد
هَرَمِ نفس کشیدنش دم مسیح،
عطر حضور مطلقش چه روح بخش
مَحیای بی مَمات این جهان مردنی ست...
آه ای شهید،



همینقدر سوسیالیست...

شیرین هم پینگیش را گم کرده بود، خسرو و فرهاد را .
توی خیابان ها را به راه کرده بود تا توله سگش را پیدا
کنند. پینگیل که در باغچه ی حیاط لیلی مخفی شده بود،
از فرصت استفاده کرد و در زمان مقتضی پستانک فرزند
لیلی و مجنون را دزدید و فرار کرد. مجنون هم سراسیمه
به دنبال پینگیل روان شد و داد زد (پینگیل وایسا)
و اینگونه بود که خسرو و فرهاد نیز همراه مجنون، در پی
پینگیل دوان بودند.

زندگی سگی سلبریتی ها این گونه بود که پس از گم شدن
پینگیل، اشک میریختند، پس از پیدا شدن پینگیل، اشک
میریختند. اگر پینگیل شکمش گیر می کرد، اشک
میریختند، اگر شکمش کار هم میکرد از شوق اشک
میریختند...

برای یک لیلی سلبریتی پینگیل دوست، چندان اهمیت
ندارد اگر سربازان وطن در مرز به شهادت برسند، یا
دانشمند بزرگ کشور در خیابان های تهران، برایش مهم
نیست خوزستان و سیستان آب ندارند، و در بندرعباس
آلونکی ویران می شود. یک سلبریتی که نفسش از جای
گرم بلند می شود، برای مردم سرمازده هم نفس نمی شود.

لیلی پس از مراوده های بسیار با کارگردان ها و تهیه
کننده ها توانسته بود خودش را یک بازیگر درجه سه، در
سینمای مبتدی ایران جابزند دیگر خدا را هم بنده نبود.
و اینجاست که شاعر میفرماید یارب مباد که گدا معتبر
شود! او تا دیروز توی مترو می نشست و از بوی عرق بغل
دستی خود شاکی می شد. شاید هم بالعکس. وی به
تازگی در دو سه فیلم دره پیت خوش رقصی کرده و
چهره شد... نامبرده عاقبت از مجنون بچه دار شد. آنها
هَلک هَلک رفتند آن سر دنیا توله شان را پس بیندازند و
برگردند. توجیه اینکه دوست داشتند پاسپورت کشوری را
بگیرند که فردا روز بتواند آزادانه هر وری دلش خواست
برود. البته که این کوچکترین لطفی بود که می شد در
حقش انجام بدهد. امثال لیلی کم نبودند، و هر یک به
بهانه ای برای وضع حمل غربت را انتخاب می کردند. لیلی
و مجنون سال ۹۶ با آفرینش حماسه ی بنفش در صدد
بازگردانی ارزش به پاسپورت وطن بودند، بس که وطن
پرست تشریف دارند. البته که آنها تمام وجود شان را
وقف مردم کرده اند، و اگر می توانستند ویزای همان
یالقوزابادی را که برای فرزند دلبندشان گرفتند برای تک
تک هم وطنان می گرفتند. همینقدر ناسیونالیست،

نویسنده : علی بهمنی

عشق پست مدرن

استخدام دائم برداشته شود اما نه برای همه. برای این که عشاق پول را کنترل کنید، یکی از خودشان را انتخاب کنید، همانی که تحصیل کرده و احساس میکند از همه مستحق تر است. به او بالاترین مقام مدیریتی را بدهید و استخدام دائم. از این به بعد او سرسپرده شماست، چون بیشتر از بقیه پول در می آورد، همیشه هم پول در می آورد، پس علاوه بر این که سود خود را در بودن شما می بیند، اجازه نخواهد داد هیچ کدام جای او را بگیرند، پس زیر دستانش را کنترل می کند. بنابراین مدیران پایین رده خود را، طوری انتخاب می کند که همیشه در رسیدن به عشقشان، یعنی پول، خوب خدمت کنند. در نتیجه آن ها نیز به کنترل زیر دستانشان مشغول می شوند. به همین ترتیب خودشان خودشان را مدیریت می کنند، همه عاشق پول می شود و بنابراین بورژواها ارزش می یابند و مشروع می شوند. حتی آن بالاترین مقام های مدیریتی نیز نخواهند توانست یک صدم سرمایه خاندان هایی که ثروت مملکت بدستانشان است، را صاحب شوند. بعد از شرکت ها می بایست سراغ خدمات عمومی برویم. آموزش و سلامت و ... همه را باید سرمایه زده کرد. اینطور تمامی مردم برای داشتن خدمات بهتر، بیشتر به دنبال پول حرکت می کنند، بنابراین هرروز سرمایه در چشم آن ها عزیز تر، میزان تلاششان بیشتر و حس عدالت خواهی و آزادی شان کمتر خواهد شد و شرایط در کنترل ما در خواهد آمد.

خلاصه اینکه به این شکل با یک انباشت سرمایه، بورژوازی خواهیم ساخت، با آن ها شریک خواهیم شد و به سوی ایران مدرن خواهیم رفت. همچنان با من باشید.

اکنون که بورژواها به میدان آمدند، بایستی تولید ثروت را به آن ها بسپاریم، یعنی راهی غیر از این نداریم. نکند باز می پرسید چرا؟ من هم دوباره می گویم مشخص است، آن ها پول میدهند، روزنامه ها و شبکه ها و صفحات شروع به پروپاگاندا می کنند. در زمان انتخابات، همه را به خط میکنند که از فلان آقا یا خانم تعریف شود، آن وقت که رای آوردند، قوانین را خودشان تصویب می کنند، و در نهایت همه چیز به کام سرمایه دار تمام میشود، پس چه بهتر که با ایشان همبازی شویم.

برای این که بتوان این فرایند را تبدیل به یک رگولیشن یا همان ساز و کار کرد، تا مبدا بهم بخورد، بایستی به آن مشروعیت داد. پس بایستی پول، محور ارزش شود. همه چیز با پول محک بخورد. خودرو، لباس، خانه، محل زندگی، ارزش، انسانیت، احترام و حتی عشق. همه باید تابعی از پول باشند. آن وقت خواهید دید که خود مردمی که ماشین های بی مقدار، لباس های غیر برند و زندگی متوسط دارند عاشق پولدار ها میشوند. ما هم که رفیق پولدار ها هستیم، پس عاشق ما نیز میشوند. اکنون که مردم عشق به پول دارند، باید آن ها را سرگرم کنیم که مبدا این نظم به هم بخورد. بگذارید مسئله را بیشتر برایتان باز کنم. اگر میخواهیم که مردم عاشق پول را، کنترل کنید، خوب به آن ها پول بدهید، منتهی بینشان عشق به پولدارتر شدن را نگه دارید. بایست همانطور که گفتم،





جهان اسلام

نویسنده: مهران جباری



الملل عهده دار شد؛ یک استعمار قانونی، که با تاسیس سازمان ملل به دول خونخوار اعطا می شد.

آن‌ها در بازه ای ۲۸ ساله، بنا را بر تاسیس دولتی یهودی به کمک نژادپرستی‌های هیتلر و اخراج یهودی‌ها از آلمان و البته ماجرای مشهور هولوکاست گذاشتند که این بار نه فرانسه، و خودشان، که ولد نوپای‌شان، آمریکا، گوی سبقت را از آن‌ها ربود و نفوذ در اسرائیل تازه‌شکل‌گرفته را از دست سایرین قاپید. فلسطین برای آزادی مثل هند گاندی ندارد و مثل آفریقای جنوبی ماندلا. اما جهان اسلام یک خمینی بزرگ داشته و دارد تا بگوید اسرائیل، این غده ی سرطانی، باید نابود بشود؛ تا بگوید اگر مسلمانان مجتمع باشند و یک سطل آب بریزند، اسرائیل را آب می‌برد. گرچه در سده اخیر تبعیدی‌های اروپایی با پتوهای آلوده به وبا توانستند سرخ‌پوست‌های بومی آمریکا را کشته، و ملتی از نو ساختند؛ گرچه به جای بومی‌های استرالیا، مهاجران اروپایی بودند که به رسمیت شناخته شدند؛ اما در دنیای امروز نمی شود روی تجربه‌های استعماری منسوخ‌شان، اسرائیل را به جای فلسطین به جامعه ی جهانی بقبولانند. جنگ‌های طولانی، مذاکرات کمپ دیوید، شهرک سازی‌ها، و معامله ی قرن، آخرین تحرکات در یوزانه‌ی صهیونیست هاست که البته به در بسته خواهد خورد، و به زباله‌دان تاریخ خواهد پیوست.

این روزها دیگر خبری از آفتاب همیشه تابان بریتانیای لجن‌مال شده نیست! گویی فلمینگ واکسن ضد استعمار را پشت ران لدنی‌ها فرو کرده باشد!!!! اما این افیون از خون انگلیسی‌ها زدودنی نیست. رد کثیف چپاول‌هایشان در شرق تا غرب این کره ی خاکی می‌توان دید. از هند و استرالیا گرفته تا خود آمریکا. آن‌ها بیش از ۱۰۰ کشور را مستعمره‌ی خود کرده بودند. شاید فاصله ی ۵۲۰ ساله ی کشف آمریکا تا ۲۴۱ ساله‌ی استقلالش فرصت خوبی برای بریتانیا بود تا کشتار سرخ‌های قاره ی جدید کشوری جدید بنا کنند. اما بعد از صدسال از استقلال آمریکا این فرانسه بود که مجسمه ی آزادی را در بندر نیویورک خار دل انگلیس‌ها کرد. در واقع تنها دستاورد جای مانده ی انگلیس از استثمار قاره ی سرخ، بریتیش‌امریکن اکسنت شد. اما این اولین یا آخرین تحرک کثیف استعماری انگلیس نبود. بعد از فروپاشی عثمانی انگلستان قیمومیت قسمت های شمالی مدیترانه، به‌خصوص فلسطین را در جامعه‌ی بین

✓ @Hashemimisag... S.M.Hashemi



دشمن کار خود را انجام می دهد، و دانشمندان بی دفاع مانده ی ما را از میان برمی دارند
اما سوال اصلی اینجاست که چه کسی قدرت هسته ای کشور را ترور کرده است؟

شهید_فخری_زاده #

شهدای_هسته_ای #

✓ @mirshekariamin امین میرشکاری



به نظر از تفاوت نحوه ی عملیات ترور #شهید_محسن_فخری_زاده و دیگر شهیدان هسته ای مشخص میشود که در این مدت تیم های حفاظتی به خوبی کار خود را انجام داده اند اما زنگ خطر آنجا به صدا در میاید که نشت اطلاعاتی همچین فاجعه ای را رقم میزند.
۴۲ سال قربانی ستون پنجم ها شدن کم نیست...

✓ @Mahd_Rah Mahdi (بیسواط)



هسته ای که ربطی به #مجلس ندارد، ما هم که نمی آییم تو مجلس، بودجه هم که وابسته ترین حالت رو به نفت دارد، ما هم #دولت خوبی هستیم.

برادر من بزار عفت کلام رو حفظ کنم!

معیشت_مردم_مسئله_است #

✓ @4liV4a علی عمرانی



به شترمرغ گفتن ببر، گفت: شترم، گفتن خب پس بار ببر، گفت: مرغم

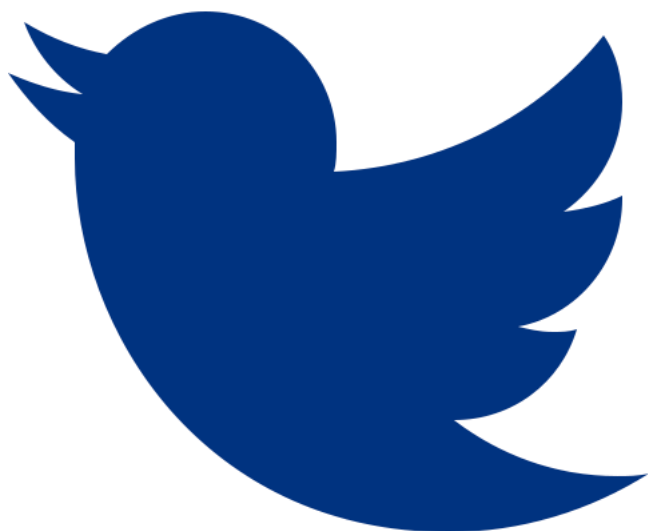
حکایت مردم با دولت و مجلسه...

✓ @itsmahan_ m.haqiqi I R



شرایط کشور تقریباً چیزی شبیه اواخر دولت بنی صدره؛ دشمن گستاخ تر از قبل و عدم پاسخ قطعی به گستاخی ها...
در آن زمان دشمن در استانه فتح اهواز قرار گرفت.

پ.ن: بعد از بنی صدر، شهید رجایی عنان دولت را بدست گرفت و علاوه بر آزاد سازی خاک ایران، در خاک عراق دشمن سیلی پیاپی خورد.





مسئولیت برای خدمت یا خیانت؟!

نویسنده: احمد صادقی فرد

معاون سابق امور زنان و خانواده و دستیار سابق امور شهروندی در دولت حسن روحانی، به دو سال و نیم حبس محکوم شده است. سرکار خانم شهین دخت مولوردی به جرم در اختیار گذاشتن اطلاعات و اسناد طبقه بندی شده به دشمن در پوشش مسئولین نظام، با هدف بر هم زدن امنیت کشور و فعالیت تبلیغاتی علیه نظام، متحمل این حکم تعزیری شد. البته از دولت نتولیرال آقای روحانی که خود با لباس پیامبر، تاریخ صدر اسلام را تحریف می کنند، و داعیه ی شکستن تحریم با مذاکره دارند، هیچ بعید نیست که مسئولی با چادر مشکی به جاسوسی متهم و محکوم شود! البته این مسئله بر ما روشن می سازد که این جریان ظاهرگرایانه یک روز به پرچم سبزی متوسل می شود، و دگر روز علم سیدالشهدا را به آتش می کشد. یک روز از حسنین علیه‌الهما سلام دم می زند، و دگر روز مبانی شهادت را عناوین خشونت آمیز تعبیر می کند. منافق را دردی در دل است، که به هیچ دوا شفا نیابد. گرچه نمی پنداریم که این خطایا از یک روحانی و یک بانوی مومن سر زده باشد، بلکه تعبیر ما این است که می توان لباس

و ظاهر تراز اسلامی را پوشید، و علیه آن سخن راند و به فعالیت پرداخت. خانم مولوردی پیش از این نیز با انتشار محتوایی در تایید همجنس گرایی در کانال تلگرامی خود خبرساز شده بود، که عذر بدتر از گناه خواب آلودگی را در بر داشت. عدم شفافیت دستگاه قضا موجب می شود این گمان تشدید شود که دو سال و نیم، زمان کمی برای محکومیت یک جاسوس، در قامت معاونت ریاست جمهور است. بنا به اصل تطابق جرم و جزا منطقی به نظر می رسد که جزییات چنین پرونده هایی عینا بیان شده، و چنانچه در صدور احکام اهمال (یا زیاده روی) صورت گرفته است، نسبت به احقاق عدالت گام برداشته شود.

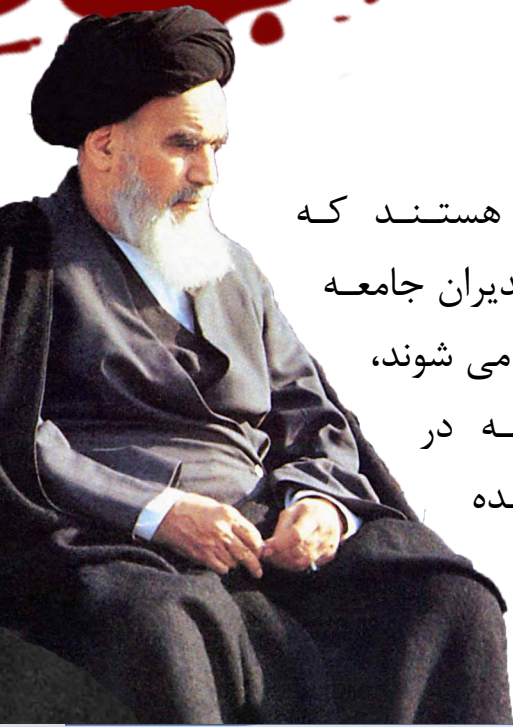
همچنین برای تنویر افکار عمومی و شناخت دشمنان ملت ضروری به نظر می رسد مشخص شود خانم مولوردی با کدام نهاد بین المللی یا غیر، در ارتباط بوده و با افشای اسناد و اطلاعات زمینه ی فعالیت های تبلیغاتی علیه ملت و کشور را فراهم آورده است.





مکتب امام (ره)

دانشگاهها و دانشسراها از جمله مهمترین و حساس ترین مراکزی هستند که نقش عمده در استقلال و یا وابستگی کشور دارند، چرا که اکثر مدیران جامعه از بین فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت انتخاب می شوند، از این روی این مراکز همواره مورد تهاجم و یورش فرهنگ سلطه در جهان بوده است تا از این طریق با پرورش مهره ها و دست نشانده های خود آینده را رقم بزنند.



خدای خوب ابراهیم جدیدترین کتابی است که انتشارات شهید ابراهیم هادی درباره زندگی این شهید منتشر کرده.

کتاب «خدای خوب ابراهیم» «جریانی جدید راه انداخته و به دنبال پاسخ دادن به این سوال است که «آیا صرف خاطرات شهدا می تواند سندی برای تنظیم رفتار ما باشد؟» ابتکار جالب کتاب در این است که حدود ۲۰۰ آیه مهم قرآن کریم که به رفتار ما جهت می دهد را توسط مثال هایی از زندگی شهید هادی شرح داده است.

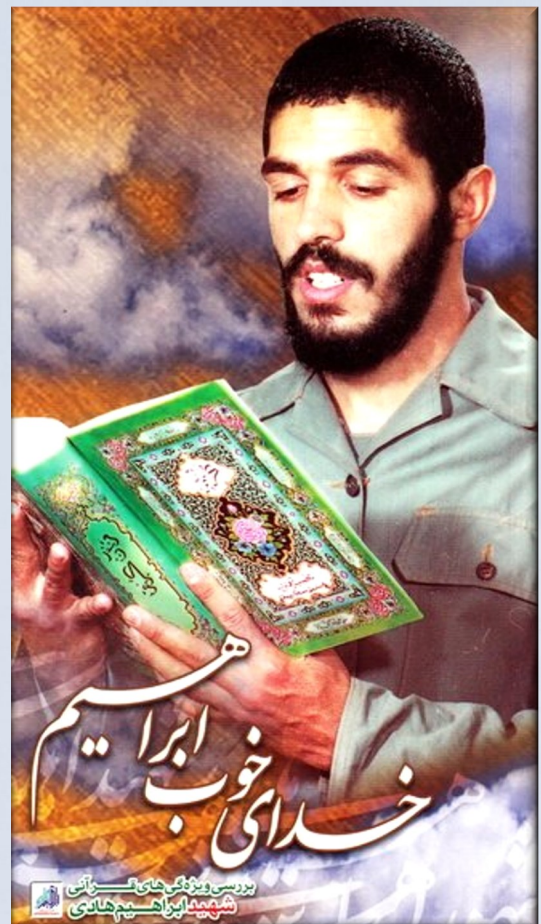
قسمتی از کتاب :

از بزرگان محل و مسجد ماست. کنارش نشستم و گفتم از ابراهیم برایم بگو. سکوت کرد. چشمانش خیس شد و گفت: جوان بودم. محیط فاسد قبل از انقلاب. می خواستم کار را رها کنم. می خواستم به دنبال هرزگی بروم و...

آن روز سرکار نرفتم. ابراهیم هم سر کار نرفت. چون تا ظهر با من در خیابان راه رفت و حرف زد تا مرا هدایت کند. صاحب کار من که از بستگانم بود، دنبالم آمده بود. یکباره مرا دید. جلو آمد و یک کشیده محکم در صورت ابراهیم زد!

فکر کرده بود او باعث گمراهی من است! اما ابراهیم... برای خدا صبر کرد. صبر کرد تا توانست مرا آدم کند. مرد صورتش خیس خیس شده بود و...

راوی : فائزه نعمت الهی



خدای خوب ابراهیم

نویسنده: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی

ناشر: شهید ابراهیم هادی